

**گفت‌وگوی «شرق» با «جف اندرو» منتقد «سایت اند ساوند»**

## «ده» سیاسی تراز «تاکسی» است

**امیر گنجوی، میاد معروف**



عکس: Getty images

**«آیا برنامه‌ای برای نوشتن کتابی جدید درباره سینمای ایران دارید؟**

مسئله نه! ای کاش وقتش را داشتم. کتابم در مورد «ده» هم چندنسخه بیشتر فروش نداشت و تروتمندم نکرد! ای کاش این‌طور شده بود. خیلی خوشحالم، تا همین چندی پیش نمی‌دانستم که به فارسی ترجمه شده است و حتی به ایران رسیده است و البته که یک‌پنی هم از فروش ترجمه آن به من رسید، ولی خیلی خوشحالم که مردم در ایران می‌توانند آن را بخوانند. خیلی افتخار می‌کنم.

**«این نگرانی در نقدها و بررسی‌ها وجود دارد که جشنواره‌های موجود از کارگردان‌هایی که انگیزه‌های سیاسی دارند، حمایت نمی‌کنند و خیلی نگرش تجاری دارند. آیا می‌توانیم استدلال کنیم که جایزه‌ای که «تاکسی» جعفر پناهی دریافت کرد، به‌خوبی این نظریه را رد می‌کند؟ آیا به‌نظر شما این جایزه به اندازه کافی انگیزه سیاسی داشت؟**

مسئله من نمی‌توانم از طرف هیأت‌اداران صحبت کنم. بسیاری از فیلم‌های خوب امسال در برلین بودند. برلین، جشنواره خیلی مهمی است. فکر می‌کنم فیلم «جعفر» یکی از سه فیلم برتر آنجا بود. می‌توانست برنده باشد بدون درنظرگرفتن [دلایل سیاسی]، لازم نبود بپاینه سیاسی باشد، می‌توانست به دلایل هنری برنده شود و امیدوارم که بیشتر به دلایل هنری بوده باشد. به‌نظر من این فیلم یک بازگشت به فرم بود برای او، چون فکر می‌کنم فیلم قبلی او «پرده»، شاید خیلی نمادگرایانه بود. از وسط فیلم کپچ شده بودم و دیگر نمی‌توانستم آن را بفهمم و حس می‌کردم که تقریباً از فیلم بیرون افتاده‌ام. این یکی خیلی فیلم باثباتری بود. خیلی خیلی بازمه

|                |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |                                                   |                                                         |                |
|----------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------|---------------------------------------------------------|----------------|
| <span> </span> | <div><span>←</span> <span>←</span> <span>←</span></div>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       | <div><div><span><span> </span></span></div></div> | <div><span>→</span> <span>→</span> <span>→</span></div> | <span> </span> |
|                | <b>فکر می‌کنم نمادگرایی، استعاره و شاعرانگی ناخودآگاه کمتری در «ده» هست. کیارستمی کارهای عجیبی می‌کند، تصورات زیاد و چیزهای زیادی در فیلم رخ می‌دهد، ولی حس کردم فیلمی بود که من غربی کمی راحت‌تر می‌توانستم بفهمم و واضح‌تر می‌توانستم درباره‌اش بنویسم. حس کردم اگر می‌خواستم درباره «زندگی و دیگر هیچ»، «باد ما را خواهد برد» یا «طعم گیلان» بنویسم، باید خیلی بیشتر درباره ایران و فرهنگ ایرانی بدانم</b> |                                                   |                                                         |                |



**«جف اندرو»**، منتقد سرشناس نشریه سینمایی «سایت اند ساوند» و یکی از برنامه‌ریزان مؤسسه بنیاد فیلم بریتانیاست. او مقالاتی درباره سینمای ایران نوشته و کتابی هم درباره سینمای کیارستمی تألیف کرده است. اخیراً اولین جلسه گفت‌وگوی بی‌پرده (بریو تاک) جشنواره فیلم «رت‌دام» با حضور او و رضا میرکریمی برگزار شد. در گفت‌وگوی زیر با جف اندرو به بحث و صحبت پیرامون سینمای ایران و نگاه او به‌عنوان یک منتقد غربی به کارهای اخیر سینماگران، جشنواره برلین و نقش سیاست در جایزه اخیر برلین به پناهی پرداخته‌ایم.

**«سوال اول ما این است که چه چیزی باعث شد به سینمای ایران علاقه پیدا کنید؟ اولین فیلم ایرانی‌ای که دیدید را به‌خاطر دارید؟ اسم فیلم چه بود و چطور با آن آشنا شدید؟**

اولین فیلم ایرانی‌ای را که دیدم به‌خاطر نمی‌آورم. اولین فیلم ایرانی را که به‌خاطر دارم «مشق شب»، عباس کیارستمی است.

**«چطور با آن آشنا شدید؟ علاقه شخصی‌تان بود؟**

در جشنواره فیلم رتردام دیدم. بعد از آن تعداد بیشتری از فیلم‌های کیارستمی را دیدم و همین‌طور فیلم‌هایی از محسن مخملباف. بیشتر از طریق کارهای کیارستمی بود که به سینمای ایران علاقه‌مند شدم. چون احساس کردم فیلمسازی متفاوت با بقیه است، پس سعی کردم فیلم‌های بیشتری از او ببینم و همین‌طور فیلم‌های ایرانی بیشتری را ببینم. واقعا این‌طور شروع شد!

**«از نظر کیفیت، فیلم‌های جدید ایرانی و فیلم‌های کلاسیک‌تر را چطور مقایسه می‌کنید؟ سینمای ایران را در رکود می‌بینید یا درحال پیشرفت؟ نمی‌توانم قضاوت کنم، چون به اندازه کافی فیلم از سینمای ایران نمی‌بینم که بتوانم قضاوت کنم. فیلم‌هایی را می‌بینم که در غرب به نمایش درمی‌آید. اخیراً فیلم تازه پناهی را دیدم. فیلم‌های جدید کیارستمی را می‌بینم. فیلم‌ها را در جشنواره می‌بینم، ولی فیلم‌های ایرانی خیلی زیادی نمی‌بینم. درست و عاقلانه نیست قضاوت کنم.**

**«آیا دغدغه یا دیدگاه خاصی درباره آینده سینمای ایران دارید؟**

خوب می‌شد اگر کمی آزادی بیشتری به فیلم‌سازان می‌دادند تا فیلم‌هایی را که دوست دارند، بسازند. خیلی غم‌انگیز است که در ایران نمی‌توان فیلم‌های بعضی از بهترین فیلم‌سازهای ایرانی را به‌طور قانونی دید و این خیلی مایه تأسف است، چون می‌دانم مسلماً آنها دوست دارند فیلم‌هایشان در ایران به نمایش درآید، نمی‌خواهند که [این فیلم‌ها] فقط در خارج از ایران به نمایش درآید.

**«در مورد کیارستمی صحبت کردید، ولی آیا کار دیگر فیلم‌سازان معاصر ایرانی را هم دنبال می‌کنید؟ کار کدام یک از فیلم‌سازان معاصر ایرانی را بیشتر دنبال می‌کنید و چرا؟**

اگر ممکن باشد فیلم‌های پناهی را می‌بینم. فیلم‌های ابوالفضل جلیلی را هم دنبال می‌کردم. فیلمی دوست‌داشتنی ساخته بود به نام «قص خاک». خیلی‌سال است فیلمی از او ندیده‌ام، نمی‌دانم این‌روزها چه‌کار می‌کند، ولی اگر می‌شد، می‌دیدم. دانسته‌ام من محدود به اندک‌شمار فیلم‌هایی است که می‌بینم، چون فیلم‌های ایرانی زیادی در لندن نمایش داده نمی‌شوند. آتهایی را که بتوانم می‌بینم. اگر در جشنواره‌های لندن نمایش دهند، می‌روم و می‌بینم. کم پیش می‌آید. خانم فیلم‌سازی هم بود که کارهایش را خیلی دوست دارم.

**«رخشان بنی‌اعتماد؟**

بله. دقیقاً

**«به‌تازگی در جشنواره رتردام با رضا میرکریمی در برنامه صندلی داغ شرکت کردید. در کل نظرتان در مورد فیلم «امروز» چیست؟**
از فیلم خوشم آمد. خیلی جذاب بود. تنها شاید از یک‌چیز خوشم نیامد، نحوه استفاده از موسیقی در فیلم؛ بعضی‌وقت‌ها موسیقی زیادی قوی به‌نظر می‌آمد، ولی به‌نظم خود فیلم درمجموع خیلی خیلی خوب بود، اما تعجب کردم که فیلم در رقابت‌های اسکار نامزد نشد. این فیلم شخصی را نشان می‌دهد که قانون شکنی می‌کند و درعین حال این شخص به‌نوعی قهرمان و شخصیت اصلی است. خیلی عجیب بود که برای اسکار نامزد نشد. خیلی از فیلم خوشم آمد. نمی‌دانستم داستان به کجا می‌کشد. کمی شگفت‌زده‌ام می‌کرد.

**«کارهای قبلی میرکریمی را دیده بودید؟**

نه، متأسفانه فیلمی از او ندیده بودم. دوست دارم فیلم‌های بیشتری از میرکریمی ببینم. و این کار را می‌کنم، وقتی فرصت داشته باشم.

**«شما کتابی درباره عباس کیارستمی نوشته‌اید. چه چیزی شما را به کارهای او علاقه‌مند کرد؟ و چرا «ده» را برای بررسی موردی (case study) انتخاب کردید؟**

سوال خوبی است! من عاشق کارهایش هستم، چون نگاه او به جهان بسیار متفاوت از نگاه بیشتر فیلم‌سازان است. ما را به فکر می‌اندازد. مجبورمان می‌کند وقتی فیلم می‌بینیم از تخیلمان استفاده کنیم. ما را دعوت می‌کند تا خودمان هم کمی کار کنیم. نمی‌توانیم فقط به‌طور کلاسیک فیلم‌هایش را تماشا کنیم. باید به آنچه اتفاق می‌افتد و دلایل آن فکر کنیم. فیلم‌هایش خیلی تفکربرانگیز هستند، بیننده را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و از نظر فلسفی جالب هستند، ولی دلیل اینکه «ده» را انتخاب کردم… مطمئن نیستم محبوب‌ترین فیلم او از نظر من باشد، از بسیاری از فیلم‌های او خیلی خوشم می‌آید. دلیل اینکه تصمیم گرفتم درباره «ده» بنویسم این بود که احساس کردم کمی بهتر از فیلم‌های دیگرش آن را می‌فهمم. چون احساس کردم در فیلم‌های دیگر او اغلب باید درباره شعر ایرانی، شاید تاریخ و فرهنگ ایرانی اطلاعات داشته باشیم. من درباره این چیزها زیاد نمی‌دانم، ولی فیلم «ده» خیلی امروزی است و بیشتر در مورد افراد است، به‌طور خاص آن خانم. حس کردم نیازی نیست زیاد درباره پس‌زمینه آن بدانم، مثلاً عاشق «باد ما را خواهد برد» بودم ولی خیلی شاعرانگی در آن زیاد است و نمادگرایی. فکر می‌کنم نمادگرایی، استعاره و شاعرانگی ناخودآگاه کمتری در «ده» هست. کیارستمی کارهای عجیبی می‌کند، تصورات زیاد و چیزهای زیادی در فیلم رخ می‌دهد، ولی حس کردم فیلمی بود که من غربی کمی راحت‌تر می‌توانستم بفهمم و واضح‌تر می‌توانستم درباره‌اش بنویسم. حس کردم اگر می‌خواستم درباره «زندگی و دیگر هیچ»، «باد ما را خواهد برد» یا «طعم گیلان» بنویسم، باید خیلی بیشتر درباره ایران و فرهنگ ایرانی بدانم.

**«با وجود اینکه فیلم «ده» آن نمادگرایی و شاعرانگی ایرانی را ندارد، همچنان آن را نمونه‌ای از سینمای ایران می‌دانید؟**

بله. فکر می‌کنم همین‌طور باشد. جالب است کل فیلم داخل یک ماشین است و خیلی کم می‌توانیم چیزهای بیرون شیشه را ببینیم، پس واقعا نمی‌توانیم تهران را ببینیم. در مورد آدم‌ها در تهران می‌شنویم، پس مجبوریم از تخیلمان استفاده کنیم. واقعا خیلی کم می‌توانیم چیزهای بیرون شیشه را ببینیم. بیننده ناچار است خیلی روی آدم‌های داخل ماشین و صحبت‌هایشان تمرکز کند، پس خیلی با چیزهایی که می‌بینیم و نمی‌بینیم بازی می‌کند.

### هنر

**فستیوال**

#### بررسی سینمای ترکیه درفجر

**شرق:** فهرست نهایی فیلم‌های انتخاب‌شده برای نمایش در بخش سینمای ترکیه در سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر در حال آماده‌سازی نهایی است. به گزارش ارتباطات و اطلاع‌رسانی سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، هرسال در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر سینمای یک کشور مورد واکاوی قرار می‌گیرد و امسال این جشنواره، به بررسی سینمای معاصر ترکیه با عنوان «چشم‌انداز سینمای ترکیه» می‌پردازد. طبق پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته، بین هفت تا ۱۰فیلم از سینمای ترکیه در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر نمایش داده خواهد شد. تمام فیلم‌های انتخابی، تولید سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ است که با حضور سازندگان فیلم‌ها، منتقدان و کارشناسان سینمای ایران، سینمای ترکیه و متخصصان و صاحب‌نظران سینمای بین‌الملل مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند. این فیلم‌ها در دویپل با عنوان «جایگاه سینمای ترکیه و ایران در جهان و جهان اسلام» و «وجه اشتراک و افتراق سینمای ترکیه و ایران» در قالب یک گردهمایی با حضور سینماگران ایران و ترکیه بررسی خواهند شد. برای آشنایی بیشتر با سینمای ترکیه یک‌کتاب و یک‌نشریه در مورد سینمای ترکیه در حال آماده‌سازی است که این کتاب با عنوان «یادداشت‌هایی بر سینمای ترکیه» در طول جشنواره ارائه خواهد شد. کتاب «یادداشت‌هایی بر سینمای ترکیه» نوشته نلیگون آتیسل است که دکتر عبدالحسین لاله آن را ترجمه کرده و اکنون در مراحل فنی قرار دارد. چهارمقاله، عمده محتوای این کتاب را تشکیل می‌دهند؛ در مقاله اول، تاریخ سینمای ترکیه از ابتدا تا دهه ۸۰ بررسی شده است.

مقاله دوم، به مفهوم خانواده در سینمای ترکیه پرداخته و مقاله سوم، در مورد نحوه تولید و گرایش سینمای ترکیه، استقبال مخاطبان از آن و گیشه سینمایی است. مقاله‌چهارم، مفهوم گسترده‌تری را مدنظر قرار داده و اینکه سینما چه جهانی پیش‌روی انسان قرار داده را بررسی کرده است. بخش بین‌الملل سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، از پنج تا ۱۲دایرهپهشت در تهران برگزار خواهد شد.

#### فروش نسبت به پارسال کمتربود

**شرق:** دوفیلم سینمایی «ایران‌برگر» و «رخ دیوانه» در گیشه نوروزی ۴۴میلیاردی شدند. به گزارش مهر، سینمای ایران این‌روزها میزبان استاد میله‌های دور اول اکران نوروزی است؛ فیلم‌هایی که شامل «ایران‌برگر» به کارگردانی مسعود جعفری‌جوژانی، «رخ دیوانه» به کارگردانی ابوالحسن داوودی، «استراحت مطلق» به کارگردانی عبدالرضا کاغانی، «طعم شیرین خیال» به کارگردانی کمال تبریزی و «روابه» به کارگردانی بهروز افخمی است. این چهارفیلم در یک هفته آخر اسفندماه در سینماهای سراسر کشور

اکران شدند تا بتوانند در مهم‌ترین پرفروش‌ترین زمان در گیشه یک‌ساله سینما، با یکدیگر به رقابت بپردازند. البته در ۲۴روز گذشته روزهایی نیز به‌دلیل چهارشنبه‌سوری و البته ایام فاطمیه با مردم تقریباً به سینما نمی‌رفتند یا سالن‌های سینما تعطیل بود. فیلم‌های اکران نوروزی از هسان ابتدا علاوه‌بر تهران، اکران شهرستان‌های خود را آغاز کردند. در این‌میان، فیلم «ایران‌برگر» نسبت به سه‌فیلم دیگر از فروش بیشتری برخوردار بوده و توانسته در صدر جدول گیشه سینمای ایران قرار گیرد. البته نباید فراموش کرد فروش گیشه سینمای ایران در نوروز۹۴ نسبت به گیشه سینما در نوروز۹۳ با کاهش همراه بود که برخی از سینماگران و البته شورای صنفی نمایش دلیل کاهش فروش گیشه را دیر بخش‌شدن تیزرهای سینمایی در تلویزیون دانستند.

**تماشا خانه**

**تأملی بر اجرای نمایش «جنگ شب‌ها می‌رسد»**

**واما امروز**



محمود معتقدی

۱ قرن بیستم، با وجود همه پیشرفت‌های علمی و صنعتی و شعارهای آزادی‌طلبی و دموکراسی‌خواهی‌اش، اما روزگار جنگ‌ها و بحران‌های بزرگی بوده است و با گسترش و تقابل نظام‌های سرمایه‌داری در برابر اردوگاه‌های چپ و سوسیالیسم، به‌زودی عرصه‌های رقابت، نظامی‌گری، ملی‌گرایی افراطی، توسعه‌طلبی و… دامن‌گیر بسیاری از کشورها می‌شود. گفتنی است در جنگ‌جهانی اول و دوم، جهان به‌سرعت به دوبلوک شرق و غرب تقسیم شد و آمریکا جای انگلیس را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی گرفت. و بزرگ‌ترین دستاورد این دوجنگ بی‌شکوه، نزدیک به ۷۰میلیون‌گشته و چندین‌میلیون معلول و در پی آن انهدام بسیاری از مراکز و شهرهای تاریخی و صنعتی و در ادامه، از میان‌رفتن چهارسلسله سلطنتی (آلمان، روسیه، اتریش و عثمانی) و پدیدارشدن چندین‌دیکتاتوری تازه به جای آنها بوده است. از سوی دیگر در حوزه فرهنگ و هنر، توجه به فردیت و هویت گذشته انسانی، مکتب فلسفی اگزیستانسیالیسم به رهبری ژان پل سارتر و گسترش رسانه‌ها در راستای نگرش به ارزش‌های اخلاقی و توجه به هستی‌ بشری در غرب، در تقابل با موقعیت اهریمنی جنگ و تخصص قد علم کرده بود که به دنبال آن، در هنر و ادبیات در ژانرهای گوناگونی به بازتاب آثار جنگ و دیکتاتوری پرداخته شد که ازجمله می‌توان از فضا‌های ادبیات نمایشی و سینما نام برد که در این رهگذر، بیشترین نقش را در حوزه آگاهی‌بخشی و دفاع از هستی بشری داشت و دارد. بنابراین تأثیر هنر در این زمینه، با بهره‌گیری از ادبیات سهم فراوانی با خود به همراه داشت.

۲ در چشم‌انداز هنر نمایش، در نشان‌دادن آثار مخرب جنگ، تحت عنوان دفاع از سرزمین پدری و تصمیم نهایی برای واردشدن مردان و زنان در این عرصه، رنج‌های انسانی در غرب، با خاستگاهی سودگرایانه به کارزاری ابلهانه و دور از واقعیت‌های زندگی بر قربانیان این منظر اهریمنی افزوده بود که در کنار آن بسیاری برای فرار از واقعیت‌های جاری به خودکشی و خودفروبی و نیز جبران شکست‌ها پرداخته بودند. این گروه، در پی مرگی آرام و آرامش کاذب وجدان، مقهور ماشین دیگری در قلمرو سوداگری و هم‌نوایی با این مصیبت انسانی بر طبل جنگ می‌کوبیدند و از این رهگذر، هویت و احساسات بخشی از مردم را به گورستان دیگری می‌سپرده‌اند. کلید این مسئله درست در سپیده‌دم اول آگوست۱۹۱۴م، برای پایان‌دادن به همه جنگ‌ها، با شلیک گلوله‌ای به جان شاهزاده اتریشی زده شد که تا به امروز در خاورمیانه، آفریقا، آمریکای لاتین و… پس‌لرزه‌های آن، همچنان ادامه دارد. این «راه‌حل» جنگ‌طلبانه راهی برای خوشبختی بشریت و دورشدن از شعله‌های ناخوسته‌ای بود که سردمداران زور و قدرت، پیوسته آن



را تجویز می‌کرده‌اند. اما در این‌میان، بودند سوداگرانی که برای عبور از این بحران (اقتصادی) در دام بیدار خوابی دیگر، به صحنه‌ای دیگر می‌گریختند و به سمت موسسات و پناهگاه‌هایی ساکت و مجلل و آرام برای خودزنی و خودکشی روی می‌آوردند؛ در ترس از روبه‌روشدن با مرگ و ازکف‌دادن سرمایه‌هایشان!

۳ اما دستمایه نمایش «جنگ شب‌ها می‌رسد»، همانا بازتاب و شرح این نوع مصائب و نشان شکلی از تقابل این باورهای ابلهانه را با خود دارد. (که این‌روزها در تماشاخانه کوچک استاد مشایخی به اجرا درآمده است.) آقای «داسلر» بازرگان و بورس‌باز آلمانی با بازی محسن ظرفیان، در هیاهوی شنیدن صدای ناقوس جنگ و پایین‌آمدن ارزش دارایی‌هایش، تصمیم می‌گیرد به یکی از موسساتی که به خاموش‌کردن شمع زندگی آدم‌های دلواپس دست به‌کار است، مراجعه کند تا به همراه بسیاری از آدم‌های دیگر، در هتلی مجلل، در نوبت باشد تا به مرگی آرام تن دردهد؛ البته با پرداخت ۷۰۰مارک ناقابل! آقای «داسلر» در جهت پذیرفتن این واقعیت، با همه تلاشی که می‌کند، اما همواره در این تردید به‌سرمی‌برد که میان مرگ و زندگی و جذابیت زنان محبوب خود، کدام را انتخاب کند؟ در این‌میان، صاحب موسسه یادشده، زنی به اسم «آنجلا» با نقش آفرینی ساینآ رضائزاد، کارمند خود را به‌عنوان زنی که در نوبت مرگ ایستاده است، مأمور دوستی و رفاقت با آقای «داسلر» می‌کند. در نتیجه این رابطه، بازرگان نگوین‌بخت به‌زودی از دنیای مرگ فاصله می‌گیرد و با «آنجلا» به عشرت و شادمانی می‌گذراند و به‌گونه‌ای، جانب عشق این زن را در دل می‌گیرد. گفت‌وگوهای فراوانی میان این‌دو ردوبدل می‌شود، به طوری که آقای «داسلر» از پذیرفتن مرگ منصرف می‌شود و به‌دنبال پس‌گرفتن پولش، سعی دارد با «آنجلا» راهی فرانکفورت شود.

ادامه در صفحه ۱۱

